Archive of SID

ماهیت حقوقی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در بانکداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

حسین میثمی*

چکیده

فراهم‌نمودن امکان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در شرایط ایجاد کسری نقدینگی یکی از مهم‌ترین ابزارهای بانک مرکزی جهت سامان‌دهی و مدیریت بازار پول است که در نظام بانکی کشور نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع بانک‌ها می‌توانند با پرداخت مازاد ۳۴ درصدی از منابع پرقدرت بانک مرکزی استفاده کنند.

این تحقیق ضمن موضوع‌شناسی و مستندسازی تجربه نظام بانکی کشور در استفاده از ابزار اضافه برداشت و ارزیابی و نقد انواع احتمالات حقوقی در رابطه با ماهیت آن، به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی چیست و مبانی مشروعیت مازاد ۳۴ درصدی در مقوله اضافه برداشت کدام است؟ مقاله به روش توصیفی و تحلیل محتوا به دنبال اثبات این فرضیه است که ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی روشن نبوده و شبهه ربای قرضی در رابطه با مازاد پرداختی قابل تصور است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان احتمالات گوناگونی را در رابطه با ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت مطرح کرد که چهار مورد از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: وجه التزام، جریمه تأخیر تأدیه، تعزیر مالی و خسارت تأخیر تأدیه. بااین‌حال هر یک از این رویکردها با چالش‌های مهمی مواجه است؛ لذا هیچ کدام از آنها را نمی‌توان یک قالب حقوقی مناسب در نظر گرفت؛ همچنین می‌توان با استفاده از ظرفیت فقه اسلامی راهکارهای جایگزینی برای حل چالش شرعی اضافه برداشت ارائه کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: قرارداد ریوی اسلامی و تنزیل اسناد طلب بانک‌ها.

واژگان کلیدی: *اضافه برداشت، بانک مرکزی، شبکه بانکی، وجه التزام، جریمه تأخیر تأدیه.*

طبقه‌بندی JEL: D53, E52 .

*. عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی. Email: h.meisamy@mbri.ac.ir.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

در بانکداری مرکزی نو، بانک‌های مرکزی با استفاده از مجموعه گسترده‌ای از ابزارها و شیوه‌ها تلاش می‌کنند اهداف خود در مدیریت بازار پول ـ به‌طور خاص هدایت نرخ بهره موجود به سمت نرخ بهره هدف‌گذاری‌شده ـ را پیگیری کنند. وجود این ابزارها به بانک‌های مرکزی کمک می‌کند که بتوانند در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه، وظیفه سیاست‌گذاری پولی را انجام دهند. عملیات بازار باز، سپرده‌پذیری از بانک‌های دارای مازاد و پرداخت منابع به بانک‌های دارای کسری (دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی) برخی از مهم‌ترین این ابزارها را شکل می‌دهند (وایتسل، ۲۰۰۶، ص۲۴).

در میان این ابزارها و شیوه‌ها، دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی نقش ویژه‌ای بر عهده دارند. در واقع زمانی که یک بانک با کسری منابع مواجه است و به هر دلیل امکان استفاده از سایر گزینه‌ها مانند بازار بین‌بانکی را ندارد، بانک مرکزی با فراهم‌نمودن امکان اضافه برداشت، از تشدید مشکلات نقدینگی بانک مذکور و تبدیل چالش نقدینگی کوتاه‌مدت به ناتوانی دائمی و ورشکستگی جلوگیری می‌کند (اکزیلرود، ۲۰۰۹، ص۲۰۹).

در نظام بانکی کشور نیز از ابزار اضافه برداشت استفاده می‌شود. بدین صورت که بانک مرکزی برای بانک‌های فعال در بازار پول این امکان را فراهم کرده است که در صورت مواجهه با چالش نقدینگی بتوانند از منابع پر قدرت بانک مرکزی اضافه برداشت کرده و مازادی ۳۴ درصدی جهت این مسئله بپردازند.

با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد بررسی ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت و مازاد پرداختی، نیازمند ارزیابی دقیق است. این تحقیق تلاش می‌کند ضمن موضوع‌شناسی و مستندسازی پدیده اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در موارد ایجاد کسری نقدینگی، ماهیت فقهی و حقوقی این مسئله را مورد آسیب‌شناسی و نقد قرار دهد و راهکارهای جایگزینی در این رابطه مطرح نماید.

سؤال‌های اصلی و فرعی که در این تحقیق به آنها پاسخ داده می‌شود عبارت‌اند از:

الف) ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی چیست؟

ب) آیا دریافت مازاد ۳۴ درصدی بر روی اضافه برداشت مشروعیت دارد؟

www.SID.ir

Archive of SID

ج) راهکارهای جایگزین منطبق با شریعت برای سامان‌دهی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی کدام است؟

مقاله به روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی این فرضیه می‌پردازد که ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی روشن نبوده و شبهه ربای قرضی در رابطه با مازاد ۳۴ درصدی قابل تصور است.

ساختار پژوهش بدین صورت است که پس از این مقدمه، پیشینه تحقیق مطرح شده و سپس به موضوع‌شناسی مختصر نظریه و تجربه اضافه برداشت در بانکداری مرکزی نوین پرداخته می‌شود. در ادامه تجربه نظام بانکی کشور در مسئله اضافه برداشت تبیین شده و سپس انواع احتمالات حقوقی در این رابطه مطرح و نقد می‌گردد. سپس راهکارهای جایگزین منطبق با شریعت برای سامان‌دهی اضافه برداشت در چارچوب اسلامی ارائه می‌شود. بخش پایانی نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

پیشینه تحقیق

ارزیابی تحقیقات حوزه بانکداری اسلامی در دهه‌های اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد که عمده پژوهش‌ها در رابطه با «بانکداری تجاری اسلامی» انجام شده و حوزه جدید «بانکداری مرکزی اسلامی» کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. طراحی ابزارهای اسلامی برای سامان‌دهی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و آسیب‌شناسی تجربه نظام بانکی کشور در این حوزه، از جمله این موضوعات است؛ بااین‌حال برخی از آثار به صورت ضمنی به این مقوله اشاره کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

کیائی (۱۳۸۶) به مقایسه ابزارهای سیاست پولی پیشنهادی اهل سنت با فقه امامیه و نحوه عملیاتی‌کردن آنها می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عمده‌ترین ابزارهایی که در اقتصاد متداول برای اعمال سیاست پولی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند نرخ تنزیل و عملیات بازار باز، مبتنی بر نرخ بهره بوده و بنا بر نظر اقتصاددانان مسلمان نمی‌توان آنها را به شکلی که در اقتصاد متداول استفاده می‌شود، در اقتصاد اسلامی مورد استفاده قرار داد.

www.SID.ir

Archive of SID

مؤمنی و *حری* (۱۳۸۸) به مقوله تجربه کشورهای اسلامی در سیاست‌گذاری پولی اسلامی می‌پردازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین کشورهای اسلامی و دیگر کشورها، در عمل تفاوت معناداری در کاربرد ابزارهای پولی وجود نداشته و این کشورها نتوانسته‌اند ابزارهای سیاست‌گذاری پولی مناسب با شرایط خود را ارائه و مورد استفاده قرار دهند.

موسویان و *الهی* (۱۳۸۹) با بررسی فقهی ابزارهای بین‌بانکی بانکداری متعارف و تجربه برخی کشورهای اسلامی از جمله ایران کوشیده‌اند ابزارهای جدیدی برای استفاده در معامله‌های بین‌بانکی معرفی کنند.

قضاوی و *بازمحمدی* (۱۳۹۱) کارکردهای اسناد خزانه اسلامی جهت سیاست‌گذاری را تبیین می‌کنند. در این دیدگاه اسناد خزانه اوراق بهاداری هستند که گواه تعهد ناشر ـ که عموماً دولت‌ها هستند ـ به بازپرداخت مبلغ اسمی آنها در آینده می‌باشند. این اوراق به پشتوانه تعهد و اعتبار دولت‌ها منتشر می‌شود و معاف از مالیات دولت‌های مرکزی و ایالتی می‌باشند. بانک مرکزی می‌تواند با ورود در بازار ثانویه اسناد خزانه دولتی، سیاست‌گذاری پولی انجام دهد.

نظرپور و *حقیقی* (۱۳۹۲) به مقوله سیاست‌گذاری پولی در بازار بین‌بانکی می‌پردازند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در یک الگوی اسلامی، بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از عملیات بازار باز، تعیین نسبت سپرده قانونی، مدیریت نرخ تنزیل مجدد و در نهایت عملیات شبه بازار باز، به اعمال سیاست‌های پولی بپردازد که برخی از این روش‌ها با دخالت مستقیم بانک مرکزی در بازار همراه است و برخی به صورت غیر مستقیم و با واسطه اجرا می‌شود.

حاجیان (۱۳۹۲) به معرفی بازار بین‌بانکی، ارزیابی تجربه کشورهای مختلف در راه‌اندازی و مدیریت این بازار و ارائه الگویی برای تشکیل بازار بین‌بانکی ریالی در ایران می‌پردازد. در این پژوهش به صورت مختصر به نحوه تعامل بانک مرکزی با بانک‌های تجاری در بازار بین‌بانکی جهت اعمال سیاست‌های پولی پرداخته شده است.

میثمی و دیگران (۱۳۹۵) تلاش می‌کنند موضوع سیاست‌گذاری پولی در کریدور نرخ سود در بازار بین‌بانکی (بازار پول) را مورد ارزیابی قرار داده و امکان استفاده از این الگو

www.SID.ir

Archive of SID

در نظام بانکداری بدون ربای کشور ایران را تحلیل کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، شیوه‌های قرض‌دهی و قرض‌گیری در الگوی متعارف تسهیلات قاعده‌مند بر اساس عقد قرض همراه با بهره سامان یافته‌اند و به همین دلیل در چارچوب اسلامی قابلیت استفاده ندارند؛ اما می‌توان با استفاده از ظرفیت فقه اسلامی به‌ویژه عقود مبادله‌ای، شیوه‌های جایگزینی را جهت راه‌اندازی کریدور نرخ سود در بازار بین‌بانکی کشور پیشنهاد کرد.

پاشا (Bacha) (۲۰۰۸) فعالیت بازار بین‌بانکی اسلامی مالزی را در یک نظام بانکداری دوگانه با بازار بین‌بانکی متعارف مقایسه کرده و ریسک نرخ بهره را به عنوان یکی از ریسک‌های مهم این بازار مورد بحث قرار می‌دهد.

در جمع‌بندی مرور ادبیات انجام‌شده می‌توان این‌طور بیان داشت که تحقیقات قبلی تاکنون به مقوله موضوع‌شناسی و مستندسازی پدیده اضافه برداشت در نظام بانکی کشور، تحلیل آن از منظر فقهی و حقوقی و ارائه جایگزین‌های اسلامی اقدام نکرده‌اند و لذا در هر سه حوزه، تحقیق حاضر دارای نوآوری است.

موضوع‌شناسی اضافه برداشت بانک‌ها در بانکداری مرکزی نوین

در دوره اخیر دانش بانکداری مرکزی با اصلاحات قابل توجهی روبه‌رو شده است که یکی از آنها بازطراحی ساختار اعطای منابع توسط بانک مرکزی به بانک‌ها در شرایط ایجاد کسری نقدینگی می‌باشد؛ درحالی‌که در گذشته بیشتر پژوهش‌ها، از فرایند کمک به بانک‌ها توسط بانک مرکزی با عنوان «پنجره تنزیل» (Discount Window) نام می‌بردند، در ادبیات جدید معمولاً از عبارت جامع‌تر «تسهیلات قاعده‌مند» (Standing Facilities) در این رابطه استفاده می‌شود* (بیندسیل و جابلکی، ۲۰۱۱، ص۳۱).

تسهیلات قاعده‌مند مجموعه‌ای از ابزارهای مالی است که امکان قرض‌دهی و قرض‌گیری بسیار کوتاه‌مدت (شبانه) را بین بانک مرکزی و بانک‌ها فراهم می‌کند. این ابزارها که معمولاً در بازار بین‌بانکی استفاده می‌شود، به بانک‌های فعال در بازار پول (بازار بین‌بانکی) کمک می‌کند در صورتی که با چالش‌های موقت نقدینگی مواجه شدند، بتوانند

*. البته همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، هنوز هم در برخی کشورها مانند آمریکا از عبارت پنجره تنزیل برای توصیف تسهیلات بانک مرکزی استفاده می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

نیاز خود را از بانک مرکزی برطرف کنند؛ در مقابل اگر در کوتاه‌مدت با مازاد منابع مواجه بودند، منابع خود را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری کنند (بیندسیل، ۲۰۱۴، ص۷۰).

با توجه به اینکه تمرکز این قسمت صرفاً بر موضوع‌شناسی تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها در شرایط ایجاد مشکلات نقدینگی می‌باشد، در ادامه به تبیین مختصر ابعاد نظری و تجربی این موضوع پرداخته می‌شود.

۱. نظریه

تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها یکی از اجزای الگوی متعارف سیاست‌گذاری پولی نو به حساب می‌آید. در واقع به دلیل آنکه یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی در اقتصادهای اعتباری جدید فعالیت به عنوان «آخرین ملجأ وام‌دهی» (Lender of Last Resort) به بانک‌ها در شرایط اضطراری است، سامان‌دهی و مدیریت تسهیلات بانک مرکزی در راستای اهداف سیاست پولی اهمیت زیادی دارد (وایتسل، ۲۰۰۶، ص۲۱).

تسهیلات بانک مرکزی منابعی است که این بانک در شرایط خاص در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهد. نرخ این منابع نیز معمولاً بالاتر از نرخ بازار بین‌بانکی تعیین می‌شود تا بانک‌ها صرفاً در شرایط اضطراری به منابع بانک مرکزی مراجعه کنند؛ بنابراین معمولاً بانکی که در سامانه‌های تسویه مانند تسویه چک‌ها با کسری منابع مواجه است، ابتدا به بازار بین‌بانکی مراجعه می‌کند و می‌کوشد با دریافت منابع از بانک‌های دارای مازاد مشکل خود را برطرف کند؛ اما اگر به هر دلیل مثلاً نبود عرضه‌کننده امکان تأمین از بازار بین‌بانکی فراهم نباشد، بانکِ دارای کسری می‌تواند به بانک مرکزی مراجعه کند (کوبهام، ۲۰۱۲، ص۲۴).

نکته مهم در اینجا آن است که هرچند به لحاظ نظری، قدرت خلق پول بانک مرکزی بی‌نهایت است، بدان معنی نیست که بانک دارای کسری می‌تواند بدون محدودیت و به صورت غیر قاعده‌مند به منابع بانک مرکزی دسترسی داشته باشد. دراین‌باره معمولاً بانک‌های مرکزی برای هر یک از بانک‌ها- با توجه به رتبه‌ای که نزد بانک مرکزی دارند- سقف مشخصی برای اضافه برداشت و دریافت تسهیلات در نظر می‌گیرند و بانک مذکور نمی‌تواند بیش از سقف تعیین‌شده از منابع بانک مرکزی استفاده کند؛ در صورتی که نیاز

www.SID.ir

Archive of SID

بانک تجاری بیش از سقف درنظرگرفته‌شده توسط بانک مرکزی باشد، بانک مذکور به تدریج وارد فرایند ورشکستگی خواهد شد (اکزیلرود، ۲۰۰۹، ص۲۰۸).

مسئله دیگری که در موضوع‌شناسی تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، ماهیت غیر جریمه‌ای آن است. در واقع به لحاظ لغوی در ادبیات بانکداری مرکزی از پدیده استفاده بانک‌ها از منابع بانک مرکزی با عبارت‌هایی همچون تسهیلات قاعده‌مند یا پنجره تنزیل استفاده می‌شود که هیچ کدام از آنها بر مفهوم جریمه‌بودن بهره دریافتی توسط بانک مرکزی بر روی این منابع اشاره‌ای ندارد.

به عبارت دیگر بانک مرکزی این فرصت و اختیار را برای تمامی بانک‌ها فراهم می‌کند تا در شرایطی که با مشکل مواجه می‌شوند، در چارچوب تعیین‌شده به دفعات از منابع بانک مرکزی استفاده کنند و هزینه آن (نرخ بهره) را نیز بپردازند؛ اما این نرخ را نمی‌توان واقعاً جریمه در نظر گرفت؛ چراکه ماهیت جریمه‌ای ندارد و در ادبیات علمی از آن با عنوان جریمه یاد نمی‌شود (چاپمن و دیگران، ۲۰۱۰، ص۱۹).

۲. تجربه

در حال حاضر بیشتر بانک‌های مرکزی در کشورهای گوناگون به ارائه تسهیلات به بانک‌های دارای کسری در مواقع خاص اقدام کرده‌اند. البته در عمل، تفاوت‌هایی در نام شیوه مورد استفاده، وثیقه‌داربودن یا نبودن تسهیلات، قرضی یا رپو (خریدوفروش) (Repurchase Agreement) بودن عملیات، مبلغ، مدت و نرخ تسهیلات و غیره وجود دارد؛ که تفاوت‌های عملیاتی جزئی به حساب می‌آید (کلوز و دیگران، ۲۰۱۰، ص۲۲).

دراین‌باره ارزیابی تجربه ایالات متحده آمریکا ـ به مثابه الگوی استاندارد سیاست‌گذاری پولی ـ نشان می‌دهد تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها تحت عنوان پنجره تنزیل انجام می‌شود و نرخ این تسهیلات عملاً سقف نرخ‌های بازار بین‌بانکی (بازار پول) را شکل می‌دهد (لیند، ۲۰۱۲، ص۲۲۲).

در این شیوه، بانک مرکزی به مؤسسات دارای اعتبار اجازه می‌دهد در شرایط خاص بتوانند به سرعت و به دفعات از منابع بانک مرکزی در راستای حل مشکلات نقدینگی خود استفاده کنند. در عمل، فدرال رزرو در پنجره تنزیل خود منابع را با سه نرخ متفاوت

www.SID.ir

Archive of SID

به بانک‌های دارای کسری ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: نرخ اعتبار اولی (Primary Credit Rate)، نرخ اعتبار ثانویه (Secondary Credit Rate) و نرخ اعتبار فصلی (Seasonal Credit Rate) (کان، ۲۰۱۰، ص۲۱).

نرخ اعتبار اولی مختص آن دسته از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی است که از منظر بانک مرکزی اعتبار کافی و رتبه مناسب دارند. نرخ اعتبار ثانویه نیز برای بانک‌ها و مؤسساتی است که اعتبار پایین‌تری نسبت به گروه اول دارند و به اعتبار اولی دسترسی پیدا نمی‌کنند. بر خلاف دو شیوه اول که به صورت شبانه به بانک‌ها ارائه می‌شوند، اعتبارات فصلی با سررسید طولانی‌تر (نهایتاً ۹ ماه) ارائه و نرخ آن نیز با توجه به این سررسید تعیین می‌شود (برنتسن و دیگران، ۲۰۱۰، ص۳۱).

اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در نظام بانکی کشور

در نظام بانکی کشور، به مجموعه شیوه‌های اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها در شرایط اضطراری دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی گفته می‌شود.* دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی یا با قرارداد صورت می‌پذیرد که در اصطلاح خط اعتباری نامیده می‌شود یا بدون قرارداد که در اصطلاح اضافه برداشت نام دارد. درباره خطوط اعتباری معمولاً دولت نرخ سود را به صورت ترجیحی تعیین می‌کند؛ به‌طور مثال بانک مرکزی در سال‌های گذشته به سفارش دولت به تأمین مالی طرح مسکن مهر یا تأمین مالی خودروسازان با نرخ‌های ترجیحی و پایین‌تر از نرخ بازار اقدام کرده است** (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص۲۰۱).

درباره اضافه برداشت بانک‌ها، بانک مرکزی نرخی ثابت (۳۴ درصد) اعمال می‌کند که تابع وضعیت اقتصادی نیست و کارکرد سیاستی آن ضعیف است و طی زمان متناسب با شرایط متفاوت رونق و رکود اقتصادی تغییری نمی‌کند. اضافه برداشت بانک‌ها معمولاً از

*. لازم است ذکر گردد که متأسفانه تاکنون اطلاع‌رسانی شفافی در رابطه با دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی ارائه نشده است و اطلاعاتی که در این قسمت ارائه می‌شود، از مصاحبه شفاهی عمیق با برخی از کارشناسان و مدیران بانک مرکزی به دست آمده است.

**. در این تحقیق تمرکز صرفاً بر مقوله اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی بوده و خطوط اعتباری مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

دو محل شکل می‌گیرد که عبارت‌اند از: کسری منابع در نظام‌های پرداخت شامل ساتنا، پایا، شتاب و چکاوک و عدم تودیع سپرده قانونی به صورت هفتگی.

کسری منابع در نظام‌های پرداخت بدین صورت است که مثلاً بانک الف در سامانه چکاوک (سامانه چک و اسناد بانکی کاغذی) به دلیل کسری منابع نمی‌تواند چک‌هایی که متعهد به نقدکردن آنها شده است را تسویه کند و به همین علت با کسری منابع مواجه می‌شود. در این وضعیت بانک مرکزی چک‌ها را نقد و حساب بانک نزد خود را با نرخ ۳۴ درصد بدهکار می‌کند؛ در صورتی که کسری بانک‌ها به دلیل عدم تودیع سپرده قانونی باشد نیز بانک مرکزی حساب بانک را با نرخ ۳۴ درصد بدهکار می‌کند (حاجیان، ۱۳۹۲، ص۱۰۱/ میثمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص۱۱).

همان‌طور که ذکر شد، به لحاظ قانونی دریافت مازاد ۳۴ درصد بر روی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی بر اساس قرارداد انجام نمی‌شود؛ بلکه بر اساس مقرراتی صورت می‌پذیرد که توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است که بررسی سیر تاریخی این مقررات جهت شناخت بهتر وضع موجود مفید است.

به لحاظ تاریخی نرخ جریمه اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۹ با عنوان «نرخ تنزیل مجدد» به‌طور سالانه از سوی بانک مرکزی تعیین می‌گردید؛ بااین‌حال پس از سال ۱۳۵۹ به دلیل اینکه رویه فوق ربوی تشخیص داده شد، اعلام منظم نرخ تنزیل متوقف گردید. از سوی دیگر، به دلیل ادغام‌های گسترده و تغییر مالکیت بانک‌ها و همچنین شرایط ویژه اقتصادی کشور به دلیل جنگ تحمیلی، میزان استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی افزایش یافت.

پس از این دوره و با توجه به مشکلات پیش‌آمده، بانک مرکزی به منظور محدودکردن اضافه برداشت از حساب‌های جاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی، جریمه خاصی در نظر گرفت. در این رابطه مصوبه مشخصی در تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۲۲ در شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. بر اساس این مصوبه بسیار مهم که همچنان مبنای عمل می‌باشد، از ابتدای سال ۱۳۷۲ اضافه برداشت بانک‌ها از حساب‌های جاری خود نزد بانک مرکزی، مشمول جرایمی به شرح ذیل گردید:

www.SID.ir

Archive of SID

الف) تا معادل دو درصد از مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی نزد هر بانک، بیست درصد در سال.

ب) از دو تا سه درصد از مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی نزد هر بانک، ۲۴ درصد در سال.

ج) بیش از سه درصد از مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی نزد هر بانک، سی درصد در سال.

در این مصوبه تأکید گردید که چنانچه اضافه برداشت از طریق اتاق پایاپای اسناد بانکی صورت گیرد، معادل چهار درصد بر میزان هر یک از جرایم فوق افزوده خواهد شد.

این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۸۰ دسته‌بندی فوق تغییر کرد و بر اساس نامه شماره «مب/۳۸۴» بانک مرکزی به مدیران عامل بانک‌ها، نرخ جریمه تأخیر در تودیع سپرده قانونی بانک‌ها برابر حداکثر نرخ جریمه بدهکاریِ حساب جاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی (سی درصد) تعیین گردید.

بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ تغییر دیگری در نرخ جریمه اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی صورت نپذیرفت؛ بااین‌حال از سال ۱۳۸۷، نرخ جریمه اضافه برداشت در قالب «بسته سیاستی ـ نظارتی شبکه بانکی کشور» توسط بانک مرکزی اعلام گردید که در این بسته نرخ جریمه ۳۴ درصد تعیین شد. از آن سال تاکنون نیز نرخ ۳۴ درصد در رابطه با اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی اعمال می‌شود.

تحلیل فقهی احتمالات ممکن ماهیت حقوقی اضافه برداشت

نظام بانکی کشور بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا به فعالیت مشغول است و اصل حرمت ربا بر اساس ضوابط شرعی و قوانین، نه تنها در روابط مالی بانک‌ها با سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات و یا روابط آنها با یکدیگر در بازار بین‌بانکی بلکه در روابط مالی بانک‌ها با بانک مرکزی نیز کاربرد دارد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص۲۳۴). در این رابطه ماده ۲۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا بیان می‌دارد: «بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نمی‌باشند».*

*. جهت دریافت متن کامل این قانون به تارنمای بانک مرکزی به این آدرس مراجعه شود: http://www.cbi.ir/datedlist/1531.aspx

www.SID.ir

Archive of SID

بر این اساس، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مبنای فقهی و حقوقی دریافت مازاد ۳۴ درصد در رابطه با اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی چیست؟ رابطه شرعی و حقوقی بین بانک مرکزی و بانک‌ها که بر اساس آن می‌توان مازاد ۳۴ درصد را توجیه کرد، کدام است؟

با توجه به اینکه ابعاد حقوقی اضافه برداشت تاکنون نه در قوانین مرجع پولی و بانکی کشور شامل قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی و بانکی و نه در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی بیان نشده است، می‌توان در رابطه با آن احتمالات گوناگونی را مطرح کرد. در ادامه به تبیین و نقد برخی از مهم‌ترین این احتمالات پرداخته می‌شود.

۱. وجه التزام (پایبندی به قرارداد)

اولین برداشتی که در رابطه با ماهیت دریافت مازاد از اضافه برداشت بانک‌ها توسط بانک مرکزی مطرح می‌شود، وجه التزام است. در واقع به دلیل آنکه مبنای فقهی و حقوقی وجه التزام به تأیید شورای نگهبان رسیده است و بانک‌های کشور بر اساس همین مبنا از مشتریان بابت تأخیر در بازپرداخت منابع، مازاد مشخصی دریافت می‌کنند این احتمال ایجاد می‌شود که نرخ دریافتی بابت اضافه برداشت نیز وجه التزام باشد. در ادامه ابتدا تصویر حقوقی این ایده مطرح شده و سپس مورد نقد واقع می‌شود.

الف) تصویر حقوقی

به لحاظ لغوی کلمه التزام به معنای پایبندی، ملزم‌شدن به امری، عهده‌دارشدن کاری، همراه‌بودن و به‌گردن‌گرفتن به کار می‌رود و به لحاظ اصطلاحی، نوعی شرط ضمن عقد است که جهت ضمانت اجرا، در قراردادها گنجانده می‌شود. بر طبق این شرط در صورتی که یکی از متعاملین از اجرای آنچه قرارداد بر عهده وی گذاشته، خودداری کند یا به عملی مبادرت ورزد که مطابق قرارداد ممنوع اعلام شده است، باید مبلغی را که در قرارداد معین می‌شود، به عنوان جریمه به طرف مقابل پرداخت کند (اسکینی، ۱۳۷۱، ص۵۴/ احمدوند، ۱۳۸۳، ص۱۱).

در واقع وجه التزام، وجه تضمین‌کننده پایبندی طرفین در معاملات است که به صورت شرط ضمن عقد در متن قراردادها ذکر می‌شود. این شرط را می‌توان مجازاتی در نظر

www.SID.ir

Archive of SID

گرفت که طرفین معامله در متن قرارداد تعیین می‌کنند تا در صورتی که هر کدام از آنها که از مفاد عقد یا تعهد و الزامات پذیرفته‌شده در عقد تخلف کند، مبلغی را به طرف مقابل بپردازد. این شرط یکی از پیش‌بینی‌هایی است که طرفین قرارداد شخصاً برای استحکام و استواری تعهدات خویش نسبت به آن توافق می‌کنند (تسخیری، ۱۳۸۲، ص۱۵).

نکته مهم در شناسایی مفهوم وجه التزام، مسئله شرط‌بودن در متن قرارداد است. در واقع وجه التزام نوعی جریمه تأخیر تأدیه است که بر اساس شرط ضمن عقد دریافت می‌شود. بر این اساس، واضح می‌گردد که رابطه منطقی دو مفهوم جریمه تأخیر تأدیه و وجه التزام عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر وجه التزامی، نوعی جریمه است که از فرد متخلف دریافت می‌شود؛ اما هر جریمه‌ای وجه التزام نبوده و ممکن است جریمه در قالب‌های حقوقی دیگری مانند خسارت تأخیر تأدیه دریافت شود.

همان‌طور که گفته شد، راهکار وجه التزام به تأیید فقهی شورای نگهبان رسیده است. در این رابطه، فقهای شورای نگهبان در نامه رسمی (مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸) موافقت کردند بانک‌ها بر اساس شرطی که ضمن قرارداد می‌آورند درصدی به عنوان جریمه تأخیر تأدیه از بدهکاران متخلف دریافت کنند. آیت‌الله *رضوانی* از فقهای شورای نگهبان در تبیین فقهی این نظریه می‌گوید

> جریمه تأخیر، ربا نیست؛ بلکه بانک می‌گوید سر ماه باید قسط خود را بپردازی؛ اگر نیاوری، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازی. نه اینکه جریمه را می‌دهی تا مبلغ قسط یک ماه دیگر پیش تو بماند؛ لذا تأخیر تأدیه، ربا نیست. حال که ربا نیست، اگر در ضمن عقد یا قرض شرط شده باشد، حکم المُؤمِنونَ عند شُروطهم را دارد و اشکالی به وجود نمی‌آید (موسویان و ملاکریمی، ۱۳۹۴، ص۱۳۷).

بر این اساس مشخص می‌گردد که قالب حقوقی مورد تأیید شورای نگهبان جهت دریافت جریمه تأخیر تأدیه، وجه التزام است. بدین معنی که در قراردادها شرطی درج می‌شود که در صورت تأخیر مشتری از بازپرداخت منابع، بانک بتواند بابت پایبندنبودن مشتری به قرارداد، مازاد مشخصی دریافت کند.

در بحث اضافه برداشت نیز تصویر مسئله بدین صورت است که بانک مرکزی به بانک الف مبلغ مشخصی را برای یک روز قرض می‌دهد و بابت آن یک روز هیچ مازادی مطالبه

www.SID.ir

Archive of SID

نمی‌کند؛ اما اگر بانک در پایان روز نتواند منابع بانک مرکزی را بازگرداند ـ یعنی حساب خود نزد بانک مرکزی را بستانکار کند یا از بدهکاری آن بکاهد ـ از روز بعد مشمول وجه التزام با نرخ ۳۴ درصد خواهد شد؛ بنابراین مبنای شرعی و حقوقی دریافت مازاد، در اینجا نیز مشابه وجه التزام رایج در شبکه بانکی است و فقط نرخ آن فرق می‌کند.

ب) تحلیل فقهی

به نظر می‌رسد راهکار شورای نگهبان علی‌رغم آنکه بیش از سه دهه است در شبکه بانکی کشور اجرا می‌شود، با اشکالات فقهی مهمی روبه‌رو بوده و نمی‌توان آن را یک مبنای قابل قبول برای توجیه دریافت مازاد بابت تأخیر توسط بانک‌ها از مشتریان در نظر گرفت. مشابه همین اشکالات در زمینه استفاده از این مبنای حقوقی در تحلیل نرخ اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی نیز قابل طرح است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در رابطه با الگوی وجه التزام قابل تصور است، مخالفت برخی مراجع تقلید و فقهاست. در واقع با توجه به اینکه عموم مشتریان نظام بانکی مقلد فقها و مراجع تقلید هستند و از سوی دیگر برخی از فقها و مراجع یا با اصل ایده جواز دریافت جریمه تأخیر در قالب حقوقی وجه التزام و یا شیوه اجرای آن مخالف‌اند، در عمل مشکلاتی ایجاد می‌شود.

توضیح آنکه برخی فقها و مراجع تقلید معتقدند درج‌کردن هرگونه شرط زیاده در قرارداد قرض حتی به صورت شرط وجه التزام، مصداق زیاده مشروط در قرارداد قرض است که با چالش ربای قرضی مواجه است؛ زیرا بر اساس ادله حرمت ربا هرگونه زیاده مشروط در عقد قرض تحت هر عنوان ناصحیح است. خواه این زیاده در همان عقد به صورت شرط ذکر شود و یا اینکه در عقد دیگر طرح شود (حسینی، ۱۳۹۶، ص۱۴).

وجه التزام در سایر قراردادها نیز مصداق افزایش مبلغ بدهی در مقابل افزایش مدت است که ربای جاهلی محسوب می‌شود. بر اساس این استدلال، فقهایی مانند امام خمینی‌ﷺ، آیت‌الله *بهجت*، آیت‌الله *سیستانی*، آیت‌الله *وحید خراسانی* و آیت‌الله *هاشمی شاهرودی* با مسئله جریمه تأخیر مخالفت نموده‌اند (موسویان و ملاکریمی، ۱۳۹۵، ص۱۱)؛ همچنین در چند سال اخیر برخی از فقهایی که به لحاظ نظری دیدگاه شورای نگهبان را می‌پذیرند در مقابل آنچه

www.SID.ir

Archive of SID

در عمل اتفاق می‌افتد موضع‌گیری کرده‌اند. در واقع آنچه در عمل توسط شبکه بانکی اتفاق می‌افتد را مخالف منطق و روح وجه التزام می‌دانند.

برای مثال آیت‌الله *نوری همدانی* در این رابطه بیان می‌دارد: «اخذ دیرکرد در بانک‌ها حرام است و نوعی رباخواری محسوب می‌شود؛ مگر اینکه از ابتدا شرط شود که اگر در زمانی معین اقساط پرداخت نشود، این میزان جریمه دریافت خواهد شد؛ نه اینکه بابت هر ساعت یا روز تأخیر، جریمه در نظر گرفته شود».*

همان‌طور که در بیان این مرجع تقلید بیان شده، وجه التزام باید در حقیقت وجه التزام و پایبندی به قرارداد باشد؛ نه اینکه به زمان گره بخورد و بدون سقف افزایش یابد. این شیوه اجرای وجه التزام، شبهه ربای جاهلی در رابطه با آن را تقویت می‌کند.

چالش دیگر در زمینه وجه التزام بانکی، انحراف عملی آن است. در واقع آنچه در عمل در شبکه بانکی تحت عنوان وجه التزام اجرایی می‌شود، با آنچه در نظریه مورد تأکید قرار گرفته، در موارد متعددی تفاوت دارد. در واقع، نظریه حقوقی وجه التزام تأکید می‌کند که این جریمه به معنای فرصت بیشتر به مشتری نیست؛ بلکه هدف آن تنبیه مشتری در رابطه با بازپرداخت است.

اما در عمل بعضاً مشاهده می‌شود که بانک و مشتری با نگاه «فرصت یا اختیار» به وجه التزام نگاه می‌کنند؛ به این معنی که مشتری دارای دو انتخاب است: اول اینکه در سررسید، منابع بانک را بازگرداند و نرخ اولیه سود را بپردازد؛ دوم اینکه بعد از سررسید منابع را با نرخ بالاتر (سود به علاوه ۶ درصد وجه التزام) بازگرداند (موسویان و ملاکریمی، ۱۳۹۵، ص۱۲).

بازبودن سقف وجه التزام، ارتباط‌یافتن میزان وجه التزام با زمان و غیره، همگی اماره‌هایی هستند که نشان می‌دهد احتمال غلبه نگاه «فرصت یا اختیاربودن» به وجه التزام وجود دارد که در این صورت مازاد دریافتی مصداق روشنی از ربای جاهلی خواهد بود که در آن افزایش بدهی در مقابل افزایش سررسید معامله قرار می‌گیرد.

*. جهت دریافت متن مصاحبه آیت‌الله نوری همدانی می‌توان به این لینک مراجعه نمود:
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920902000842

www.SID.ir

Archive of SID

به نظر می‌رسد هر دو اشکال مطرح‌شده (ناسازگاری به دیدگاه مراجع و احتمال انحراف عملی) به صورت جدی‌تری در رابطه با نرخ ۳۴ درصد اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی مطرح است؛ زیرا در رابطه با وجه التزام بانکی ممکن است در مقام دفع شبهه ربا گفته شود که شرط جریمه همیشه در قرارداد قرض نیست تا قرض ربوی شود؛ بلکه اکثر تسهیلات بانکی بر اساس قراردادهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، خرید دین، مضاربه، مزارعه، مساقات و مشارکت مدنی بوده و قرارداد قرض بخش کوچکی از تسهیلات بانکی را تشکیل می‌دهد؛ اما این استدلال در رابطه با اضافه برداشت مطرح نیست و قرارداد بین بانک مرکزی و بانک دارای کسری، موردی غیر از قرض نمی‌تواند باشد؛ همچنین در قراردادهای بانکی زمان عقد متناسب با موضوع تأمین مالی تعیین می‌شود؛ به‌طوری‌که معمولاً مشتریان می‌توانند در آن زمان بدهی خود را بپردازند؛ مثلاً سررسید قرض‌الحسنه معمولاً سه تا پنج‌ساله فروش اقساطی یک تا ۱۵ ساله و مشارکت‌های مدنی دو تا چند ساله تعیین می‌شود که معمولاً برای بازپرداخت منابع کفایت می‌کند؛ اما این مسئله در اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی وجود ندارد. در واقع سررسید قرارداد قرض، یک‌روزه تعیین می‌شود؛ درحالی‌که هم بانک مرکزی و هم بانک دارای کسری می‌دانند که این زمان جهت بازگرداندن منابع کافی نیست و به احتمال بسیار زیاد بانک مشمول وجه التزام خواهد شد. این موضوع که در عمل نیز بخش عمده بانک‌ها نمی‌توانند در پایان روز منابع قرض‌گرفته‌شده را بازپرداخت کنند نیز اماره‌ای در تأیید این استدلال محسوب شود.

نکته دیگر آنکه در شبکه بانکی اگر مشتری بیش از سه ماه از پرداخت اقساط خودداری کند، بانک موظف است اجرای وثایق و سایر تدابیر قضایی را پیگیری کند- هرچند مشتری جریمه را نیز بپردازد؛ اما در بحث اضافه برداشت، بانک‌ها این اختیار و فرصت را دارند که به‌کرات از منابع بانک مرکزی استفاده کنند و جز در موارد بسیار خاص، مشکلی برای بانک‌ها ایجاد نخواهد شد.

آخرین و شاید مهم‌ترین نکته نیز آن است که حتی اگر هیچ یک از اشکالات راهکار وجه التزام پذیرفته نشود، باز هم نمی‌توان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی را بر این مبنای فقهی- حقوقی توجیه کرد؛ زیرا ایده وجه التزام به معنای درج شرط در ضمن

www.SID.ir

Archive of SID

قرارداد است و با توجه به اینکه در اضافه برداشت‌ها اساساً قراردادی بین بانک مرکزی و مشتری امضا نمی‌شود، مبنایی برای پذیرش وجه التزام وجود ندارد.

در اینجا ممکن است گفته شود که قرض معاطاتی با شرط وجه التزام بین بانک مرکزی و بانک دارای کسری اتفاق می‌افتد. در واقع هرچند قرارداد قرض موجود نیست؛ اما ارکان آن ـ که تملیک یک طرف و ضمان طرف دیگر است ـ موجود است؛ اما به نظر می‌رسد این مطلب ادعایی بدون اثبات است؛ زیرا در قرض معاطاتی باید طرفین نیت قرض داشته باشند که در اینجا نه واقعاً بانک مرکزی در زمان اضافه برداشت قصد دادن قرض بدون بهره به بانک را دارد و نه بانک قصد دریافت قرض بدون بهره را می‌نماید؛ بنابراین پذیرش معاطاتی‌بودن عقد قرض و شرط وجه التزام مشکل به نظر می‌رسد.

۲. جریمه تأخیر تأدیه (أخذ جریمه بر اساس شأن حاکمیتی)

احتمال دیگری که در رابطه با ماهیت جریمه ۳۴ درصد اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی مطرح می‌شود، جریمه تأخیر تأدیه است؛ یعنی بانک مرکزی بر اساس شأن حاکمیتی خود از بانک‌هایی که اضافه برداشت دارند جریمه دریافت می‌کند. در متن مصوبه شورای پول و اعتبار نیز از کلمه جریمه در این رابطه استفاده شده است که مؤیّد این دیدگاه است. در ادامه ابتدا تصویر حقوقی این ایده مطرح شده و سپس مورد نقد واقع می‌شود.

الف) تصویر حقوقی

اصطلاح «جریمه تأخیر تأدیه» از دو بخش تشکیل می‌شود که یکی جریمه بوده و دیگری تأخیر تأدیه است که در عرف عام «دیرکرد» نامیده می‌شود. به لحاظ لغوی، جریمه به معنای گناه، جرم و همچنین تاوان و مجازات نقدی- که از مجرم می‌گیرند- بوده و از ریشه عربی «جَرَمَ» گرفته شده است که به معنای قطع‌کردن، چیدن میوه از درخت، حمل‌کردن، کسب‌کردن، ارتکاب گناه و وادارکردن به کاری ناپسند به کار می‌رود (فراهیدی،۱۴۲۵ق، ص۱۱۸/ ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ص۹۰).

در متون و منابع دینی نیز جریمه، جرم و مشتقات آن مترادف با گناه و در همان معنای لغوی به کار رفته است؛ بنابراین جریمه یا جرم در اصطلاح فقهی هر نوع کار ممنوع از نظر

www.SID.ir

Archive of SID

شرعی است که خداوند برای آن کیفر دنیوی از قبیل حد، تعزیر، قصاص، دیه و کفاره و همچنین کیفر اخروی مقرر کرده است؛ اعم از انجام‌دادن کاری که در دین از آن نهی شده یا ترک‌کردن کاری که بدان امر شده است (موسویان و ملاکریمی، ۱۳۹۴، ص۳۹۹).

عبارت تأخیر تأدیه یا دیرکرد نیز به لحاظ لغوی به معنای عقب‌افتادن و تأخیر است. این کلمه در حقوق معنای اصطلاحی ندارد و به معنای لغوی آن استعمال می‌گردد. مقصود از تأخیر تأدیه، به تأخیر و تعویق‌انداختن بازپرداخت دین و ایفای تعهد است. البته تأخیر تأدیه بیشتر در مورد تأخیر در پرداخت دیونی به کار می‌رود که موضوع آن پرداخت مبلغی وجه نقد باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج۳، ص۴۴).

نکته مهم و کلیدی در شناسایی مفهوم جریمه تأخیر تأدیه، مسئله تخلف است. در واقع جریمه تأخیر در مقابل تخلف مطرح می‌شود و لذا حتما باید تخلفی صورت پذیرد تا بتوان جریمه را دریافت کرد (تسخیری، ۱۳۸۲، ص۱۱).

در تحلیل مبنای فقهی ـ حقوقی این دیدگاه می‌توان این طور مطرح نمود که بر اساس نظریه ولایت فقیه، بانک مرکزی به عنوان نماینده دولت حق دارد جهت تأمین مصالح جامعه در چارچوب احکام شرعی، نسبت به مقررات‌گذاری اقدام ورزد. وضع مالیات‌های حکومتی، وضع عوارض گمرکی، اجباری‌کردن خدمت سربازی و غیره، همگی در این چارچوب قابل تحلیل است (موسویان، ۱۳۸۵، ص۱۰).

در این پیشنهاد بانک مرکزی بر اساس «شأن حاکمیتی» خود، الزامی قانونی برای بانک‌های نیازمند اضافه برداشت ایجاد می‌کند تا در صورت تأخیر در بازپرداخت منابع بانک مرکزی، جریمه ۳۴ درصد بپردازند. به موجب مقررات، بانک دارای کسری موظف به بازپرداخت به موقع منابع دریافتی است و اگر این کار را نکند، ملزم به پرداخت جریمه است.

بر این اساس، مازاد دریافتی از بانک بدهکار به موجب «الزام قانونی» دریافت می‌شود و نه «التزام قراردادی» و به همین دلیل جریمه نامیده می‌شود و نه وجه التزام. تفاوت الزام قانونی و التزام قراردادی (رویکرد شورای نگهبان) آن است که اولی از قانون و مقررات بالادستی نظام بانکی نشئت می‌گیرد و دومی از متن قرارداد بانک مرکزی با بانک طرف قرارداد.

www.SID.ir

Archive of SID

در واقع منطق شیوه اول آن است که پرداخت بدهی در زمان مقرر، تکلیف بدهکار است و تعلل در پرداخت به موقع، تخلف محسوب می‌شود؛ لذا قانون‌گذار می‌تواند برای این تخلف که برای جامعه هزینه دارد، جریمه وضع کند؛ بنابراین در اینجا جریمه تأخیر همانند مالیات، عوارض و غیره بر اساس قوانین و مقررات دریافت می‌شود و نه قرارداد؛ به عبارت دیگر تفاوت جریمه با وجه التزام آن است که جریمه به موجب الزام قانونی دریافت می‌شود؛ اما وجه التزام «به موجب التزام شخصیِ مبتنی بر قرارداد» اخذ می‌شود.

در بحث اضافه برداشت نیز تصویر مسئله بدین صورت است که شورای پول و اعتبار به عنوان نماینده حاکمیت، با مصوبه خود مقررات مشخصی در رابطه با اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی وضع نموده است. بر این اساس، هر بانکی که از این مقررات تخلف کند باید بر اساس الزام قانونی مذکور جریمه ۳۴ درصدی به بانک مرکزی بپردازد. دقیقاً مشابه جرایم راهنمایی و رانندگی که از رانندگانی که از قوانین و مقررات تخلف کنند، دریافت می‌شود.

ب) تحلیل فقهی

به نظر می‌رسد این مبنای حقوقی نیز با چالش‌های مهمی از جمله ربا مواجه باشد. در واقع هرچند اصل جایزبودن دریافت جریمه بر اساس قوانین و مقررات مورد پذیرش است و نمی‌توان آن را نفی کرد؛ اما این مسئله زمانی قابل پذیرش است که با ضوابط شرعی در تعارض نباشد.

در این رابطه اصل چهارم قانون اساسی بیان می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

بر این اساس نمی‌توان با تصویب مقررات دریافت زیاده در عقد قرض را تحت هر عنوانی از جمله جریمه مجاز اعلام کرد و شرعی‌بودن این مسئله محل خدشه است؛ همچنین این مبنا به تأیید شورای نگهبان نیز نرسیده و در هیچ یک از بانک‌های اسلامی جهان نیز بدین صورت پذیرفته و اجرا نشده است.

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به این توضیحات، واضح می‌گردد که قیاس جریمه مذکور با جرایم راهنمایی و رانندگی صحیح نیست؛ زیرا در رابطه با این مصداق و بسیاری از سایر مصادیق شبهه ربا وجود ندارد که وضع جریمه را با چالش مواجه سازد؛ اما در رابطه با عقد قرض چنین شبهه‌ای به صورت جدی وجود دارد و نمی‌توان مازاد دریافتی در عقد قرض را بر اساس منطق جریمه توجیه کرد.

علاوه بر این، اکثر جریمه‌های دریافتی در نظام اقتصادی و مالی کشور بر اساس قوانین مجلس انجام می‌شود که شرعی‌بودن آنها به تأیید شورای نگهبان رسیده است؛ اما مصوبات شورای پول و اعتبار به تأیید شورای نگهبان نرسیده است و دلیلی بر تأیید شرعی آنها وجود ندارد.

در نهایت ذکر این نکته نیز مفید است که در اکثر موارد، جرایمی که بر اساس مقررات توسط دستگاه‌های گوناگون دریافت می‌شوند به صورت مستقیم به خزانه دولت واریز می‌گردد و نه به حساب دستگاه مذکور؛ مثلاً راهنمایی و رانندگی جرایم دریافتی را به حساب خزانه واریز می‌کند؛ اما در اینجا بانک مرکزی ـ به عنوان یک طرف رابطه حقوقی اضافه برداشت ـ جرایم دریافتی را در اختیار می‌گیرد که این هم بر شبهه ربا می‌افزاید.

۳. تعزیر مالی (أخذ جریمه بر اساس شأن قضایی)

اخذ مازاد از اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی تحت عنوان تعزیر مالی و بر اساس شأن قضایی، احتمال دیگری است که در تحلیل ماهیت حقوقی مسئله اضافه برداشت می‌توان مطرح نمود. در ادامه ابتدا تصویر حقوقی این ایده مطرح شده و سپس مورد نقد واقع می‌شود.

الف) تصویر حقوقی

تعزیر در لغت به معنای ادب‌کردن و در اصطلاح بر کیفری اطلاق می‌شود که بر خلاف حدود، شارع مقدس میزانی برای آن تعیین نکرده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ص۸۸). در این راهکار، دستگاه قضایی می‌تواند همان‌طور که برای سایر مجرمان و متخلفان مجازات‌هایی در نظر می‌گیرد با جرم‌انگاری تأخیر تأدیه برای بانک‌های دارای تأخیر در بازپرداخت منابع بانک مرکزی، جریمه مشخصی در نظر بگیرد (حبیبی، ۱۳۹۶، ص۲۲).

www.SID.ir

Archive of SID

در این روش نیازی به درج شرط تعزیر مالی در متن قرارداد بین بانک مرکزی و بانک دارای کسری وجود ندارد و وجود قوانین و مقررات بالادستی در این رابطه کفایت می‌کند؛ همچنین جهت افزایش کارآمدی این روش، دستگاه قضا می‌تواند بانک مرکزی را به عنوان متصدی انجام تعزیر مالی تعیین کند؛ زیرا انجام تعزیر مالی در دستگاه قضایی امری زمان‌بر و هزینه‌بر خواهد بود.

در واقع همان‌طور که برخی از سایر دستگاه‌ها از طرف قوه قضاییه مأموریت دارند تا بر اساس قوانین و مقررات نسبت به تعزیر مالی متخلفین اقدام کنند، بانک مرکزی نیز می‌تواند مأموریت مشابهی را در مسئله اضافه برداشت بر عهده بگیرد.

نکته مهم در رابطه با این روش تفاوت آن با الگوی جریمه تأخیر است؛ درحالی‌که در راهکار قبل جریمه بر اساس شأن حاکمیتی بانک مرکزی دریافت می‌شد، در اینجا بر اساس شأن قضایی دریافت می‌شود. بر این اساس وقوع جرم در رابطه با آن اهمیت کلیدی دارد و باید به مسائلی مانند تحقق عنوان جرم، تشخیص مجرم، احوال و وضعیت مجرم در زمان وقوع جرم، تعیین مجازات بر اساس ماهیت جرم، سابقه مجرم و غیره توجه شود.

ب) تحلیل فقهی

به نظر می‌رسد این مبنای حقوقی نیز نمی‌تواند جهت توجیه مازاد دریافتی در اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی مورد استفاده واقع شود؛ زیرا با اشکال مهمی مواجه است و آن مسئله محوربودن جرم و اثبات آن است. در واقع مسئله تعزیر مخصوص حاکم شرع و محاکم قضایی بوده و نمی‌تواند به‌طور کامل به بانک مرکزی واگذار شود. علاوه بر این تعزیر، حکم عمومی نیست که بتواند در مورد همه بانک‌ها به صورت یکسان اجرا شود؛ بلکه باید مورد به مورد تفاوت کند (بادینی و حسامی، ۱۳۹۱، ص۱۱).

در این رابطه توجه به بیانات برخی از مراجع تقلید می‌تواند مفید باشد؛ به عنوان نمونه آیت‌الله *فاضل لنکرانی* می‌فرماید:

> اگر مدیون در واقع علاوه بر مستثنیات دین مالی داشته باشد و در موعد مقرر دین خود را نپردازد، مرتکب معصیت شده و حاکم شرع طبق شرایط و ضوابطی که خود تشخیص می‌دهد، می‌تواند او را تعزیر کند و حتی ممکن است تعزیر به صورت پرداخت پول باشد؛ اما این امر به طور کلی صحیح نیست؛ بلکه باید موردی بررسی شود و هر کس به حساب

www.SID.ir

Archive of SID

خودش تعزیر شود.

آیت‌الله *نوری همدانی* نیز می‌فرماید: «تعزیر با حاکم شرع بوده و موارد مختلف است و برای همه نمی‌شود یک نوع تعزیر در نظر گرفت» (موسویان، ۱۳۹۲، ص۱۲۰).

آیت‌الله *مکارم شیرازی* نیز می‌فرماید:

> جریمه‌های دیرکرد از نظر شرعی صورت صحیحی ندارد و نوعی ربا تلقی می‌شود؛ زیرا کسانی که توانایی بازپرداخت وام را دارند و نمی‌پردازند، باید تعزیر و جریمه شوند و تنها حاکم شرع می‌تواند آنها را جریمه کند. این جریمه نیز به بیت‌المال تعلق دارد و نظام بانکی نمی‌تواند این مبالغ را دریافت نماید (موسویان، ۱۳۹۲، ص۱۲۱).

۴. خسارت تأخیر تأدیه

آخرین مبنای حقوقی محتمل که می‌تواند در تحلیل اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی مورد توجه قرار گیرد، خسارت تأخیر تأدیه است که در آن بر خسارت‌های ناشی از تأخیر تأکید می‌شود. در ادامه ابتدا تصویر حقوقی این ایده بیان می‌گردد سپس نقد آن مطرح می‌شود.

الف) تصویر حقوقی

به لحاظ لغوی خسارت به معنی ضررکردن، زیان‌بردن و همچنین زیان‌کاری است. این واژه هم معنای اسمی دارد و هم به جای مصدر به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۴، ص۶۲۶). در اصطلاح فقه و حقوق نیز منظور از خسارت تأخیر تأدیه، خسارتی است که بر اثر تأخیر در پرداخت و تأدیه دِین حاصل می‌شود. در اینجا کلمه دِین عنوانی است که هم در نسیه می‌تواند مطرح باشد و هم در نقد؛ می‌تواند هم وجه نقد باشد و هم غیرنقد؛ هم فعل باشد و هم ترک فعل (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص۴).

نکته مهم در شناسایی مفهوم خسارت تأخیر تأدیه مسئله زیان‌دیدن است؛ به این معنی که برای صدق مفهوم خسارت باید تجاوز به مال غیر ـ مستقیم یا غیر مستقیم ـ صورت گرفته باشد. بر این اساس معنی حقیقی خسارت تأخیر، زیانی است که در اثر تأخیر به بار آمده و مدیون، افزون بر رد اصل پول باید آن را جبران کند؛ لذا به نظر می‌رسد خسارت

www.SID.ir

Archive of SID

تأخیر تأدیه دائر مدار زیان است و به منظور جبران زیان‌های واردشده از افراد متخلّف دریافت می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص۱۹۲).

با توجه به آنچه مطرح شد، واضح می‌گردد خسارت تأخیر تأدیه مفهومی متفاوت از جریمه تأخیر تأدیه است؛ به عبارت دیگر درحالی‌که جریمه تأخیر مبلغی است که به خاطر عدم ایفای تعهد از یک طرف معامله دریافت می‌شود، خسارت مبلغی است که جهت جبران زیان‌های وارده صورت می‌پذیرد.

نتیجه این برداشت در جایی ظاهر می‌شود که میزان جریمه بیشتر یا کمتر از مبلغ خسارت تعیین شود؛ مثلاً ممکن است در قرارداد اضافه برداشت، بانک مرکزی بر اثر تأخیر بانک دارای کسری در بازپرداخت به موقع منابع، مبلغ ده میلیارد تومان خسارت دیده باشد؛ اما مبلغ جریمه به هر دلیل بیست میلیارد تومان تعیین شود.

ب) تحلیل فقهی

به نظر می‌رسد نمی‌توان مازاد دریافتی از اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی را خسارت در نظر گرفت؛ زیرا اماره‌های مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد این مازاد به دلیل خسارت‌های ایجادشده در اثر تأخیر بانک ـ و برای بازپرداخت منابع دریافتی ـ نیست؛ برای مثال اگر مبنا خسارت بود، آن‌گاه نیاز بود نرخ اضافه برداشت بین بانک‌های مختلف و در زمان‌های مختلف، متفاوت تعیین شود؛ زیرا میزان خسارت در شرایط مختلف متفاوت است؛ همچنین نیاز بود میزان خسارت متناسب با مبلغ اضافه برداشت تعیین شود و نه به صورت حکم کلی؛ زیرا مثلاً اضافه برداشتی که در اسفند ماه صورت می‌پذیرد، خسارت متفاوتی از اضافه برداشت انجام‌شده در آبان ماه خواهد داشت؛ همچنین نرخ خسارت اضافه برداشت صد میلیارد تومانی ممکن است با نرخ خسارت اضافه برداشت هزار میلیارد تومانی متفاوت باشد و دلیلی ندارد که هر دوی آنها با ۳۴ درصد محاسبه شود.

همچنین مبنای سنجش خسارت مذکور چیست؟ آیا نرخ تورم است و یا شاخص دیگری؟ اگر مبنا تورم است، چرا در طول چند سال اخیر که نرخ تورم به میزان قابل توجهی کاهش یافته، نرخ اضافه برداشت تغییری نکرده است؟ تمام این سؤالات و ابهامات این تصویر حقوقی از اضافه برداشت را با چالش مواجه می‌سازد.

www.SID.ir

Archive of SID

راهکارهای شرعی جایگزین جهت سامان‌دهی اضافه برداشت

همان‌طور که ملاحظه شد، وضع موجود اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و دریافت مازاد ۳۴ درصد بر روی آن با شبهه ربا مواجه است و حتی بر اساس احتمالات گوناگون حقوقی نیز نمی‌توان آن را توجیه کرد. بر این اساس ضرورت دارد بانک مرکزی کشور به طراحی ابزارهای جایگزین منطبق با شریعت جهت حل این مشکل اقدام نماید.

هرچند بحث تفصیلی در رابطه با طراحی ابزارهای مذکور تحقیقی مستقل می‌طلبد؛ اما در ادامه و به عنوان نمونه به دو مورد از این راهکارهای پیشنهادی اشاره می‌شود.

۱. قرارداد رپوی اسلامی (خریدوفروش اوراق بدهی اسلامی و صکوک)

قرارداد رپوی اسلامی مهم‌ترین شیوه‌ای است که بانک مرکزی کشور می‌تواند برای ارائه تسهیلات به بانک‌های دارای کسری از آن استفاده کند. ویژگی اصلی قراردادهای رپوی اسلامی آن است که تعیین نرخ سود آنها به صورت صلاحدیدی توسط بانک مرکزی و بر اساس تفاوت قیمت خریدوفروش اوراق تعیین می‌شود؛ بنابراین بانک مرکزی می‌تواند نرخ آن را ۳۴ درصد تعیین کند تا از بازدارندگی کافی برخوردار باشد.

ویژگی قرارداد رپوی اسلامی آن است که برخلاف رپوی متعارف، چالش بیع‌العینه را ندارد؛ زیرا این معامله به جای قالب حقوقی بیع به شرط بیع بر اساس قالب حقوقی بیع به شرط اختیار دوطرفه طراحی شده است (موسویان و دیگران، ۱۳۹۴، ص۱۴).

شیوه عملیاتی استفاده از قرارداد رپوی اسلامی جهت سامان‌دهی اضافه برداشت بانک‌های دارای کسری از بانک مرکزی بدین صورت است که در ابتدا، بانک مجموعه‌ای از انواع صکوکی که در اختیار دارد؛ مانند اسناد خزانه اسلامی (اخزا یا سخاب)، صکوک اجاره دولتی (آجاد)، اوراق مشارکت دولتی و غیره را برای عملیات رپوی اسلامی آماده می‌کند.

در ادامه، بانک مرکزی این اوراق را به صورت نقدی از بانک دارای کسری می‌خرد و همزمان اختیار فروش اوراق را برای خود و اختیار خرید را برای بانک در نظر می‌گیرد؛ نرخ بازخرید نیز بر اساس اهداف بانک مرکزی- مثلاً ۳۴ درصد- تعیین می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

نکته مهم در این معامله، تفاوت‌های آن با بیع‌العینه است؛ زیرا در بیع‌العینه در بیع اول شرط می‌شود در همان مجلس عقد، قرارداد دوم منعقد شود و مبیع جز برای لحظه‌ای از مالکیت فروشنده خارج نمی‌شود؛ از طرفی چنانچه فروشنده به شرط عمل نکند، خریدار معامله اول را فسخ می‌کند (معامله اول با قصد جدی انجام نمی‌شود)؛ درحالی‌که در قرارداد رپوی اسلامی، قرارداد دوم با فاصله زمانی قابل‌ملاحظه که ممکن است از یک روز تا یک سال طول بکشد، انجام می‌گیرد و اگر فروشنده به شرط خود عمل نکند، معامله اول تثبیت می‌شود، نه ابطال؛ به عبارت دیگر کاملاً ممکن و قابل تصور است که طرفین به هر دلیل مانند تفاوت در انتظارات درباره آینده اوراق، هیچ یک اختیارات خود را اعمال نکنند و اصلاً بیع دوم اتفاق نیفتد؛ در این شرایط بیع اول ادامه پیدا خواهد کرد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص۲۰۶).

علاوه بر این برخلاف بیع‌العینه که در آن دو معامله در یک مجلس انجام می‌شود، در رپوی اسلامی بین قرارداد اول و دوم فاصله معنادار ـ از یک روز تا یک سال ـ وجود دارد؛ همچنین در بیع‌العینه معمولاً قیمت‌گذاری دارایی به صورت غیر واقعی انجام می‌شود؛ زیرا طرفین می‌دانند بیع اول صوری است و بلافاصله معامله دوم انجام خواهد شد؛ اما در قرارداد رپوی اسلامی به دلیل اینکه طرفین می‌دانند ممکن است به هر دلیل اختیارات در آینده اعمال نشود و معامله بیع نقد اولی تثبیت شود؛ لذا قیمت‌گذاری اوراق مبنای رپو به صورت واقعی انجام می‌شود.

نکته آخر اینکه در بیع‌العینه طرفین نمی‌توانند از ثمن و مثمن معامله اول استفاده‌ای کنند؛ زیرا دو معامله هم‌زمان‌اند؛ اما به دلیل وجود فاصله بین بیع اولی و اعمال اختیارات در قرارداد رپوی اسلامی طرفین می‌توانند از ثمن و مثمن بیع اولی استفاده عقلایی کنند.

مثلاً فرض کنید بانک مرکزی دویست میلیارد ریال اسناد خزانه در اختیار خود را بر اساس قرارداد رپوی سه ماهه به یک بانک تجاری فروخته است. بانک مرکزی می‌تواند قبل از سررسید از ثمن این معامله برای برطرف‌کردن نیازهای خود استفاده کند. بانک تجاری نیز می‌تواند قبل از سررسید با فروش صکوک در بازار، مشکلات خود را بر طرف کند.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. تنزیل اسناد تجاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی (بیع دین)

در این شیوه، بانک مرکزی از بانک متقاضی اضافه برداشت درخواست می‌کند تا اسناد مطالباتی خود شامل چک و سفته را که از مشتریان یا دیگر بانک‌ها دریافت کرده به صورت یک مجموعه درآورد و آن را نزد بانک مرکزی با نرخی که این بانک تعیین می‌کند (۳۴ درصد) تنزیل نماید. قالب حقوقی مبنای این مبادله بیع دین است که مورد تأیید مشهور فقهای شیعه و شورای نگهبان قرار دارد و می‌تواند کوتاه‌مدت نیز استفاده شود؛ برای مثال می‌توان فرض نمود بانکی تجاری را که به طور موقت با کسری منابع مواجه است و توانایی پاس‌کردن چک‌هایی که متعهد به پرداخت آنهاست را ندارد و به همین دلیل قصد اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی را به میزان ۹۶۶ میلیارد ریال برای یک ماه دارد؛ در این وضعیت، بانک مرکزی اعلام می‌کند این تسهیلات فقط با نرخ سالانه ۳۴ درصد و در برابر دریافت اسناد مطالباتی بانک قابل پرداخت است.

در ادامه بانک تجاری مجموعه‌ای هزار میلیارد ریالی از اسناد مطالباتی شامل چک، سفته و غیره که از مشتریان خود یا دیگر بانک‌ها در اختیار دارد را به صورت یک مجموعه درمی‌آورد و بر اساس عقد بیع دین با نرخ ۳۴ درصد به بانک مرکزی می‌فروشد و به مدت یک ماه به ۹۶۶ میلیارد ریال منابع نقد دست می‌یابد. در سررسید (پایان ماه)، بانک تجاری مبلغ هزار میلیارد ریال در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهد و اسناد تجاری خود را دریافت می‌کند؛ یعنی اسناد تجاری را بازخرید می‌کند. بانک تجاری ضامن نقدشدن چک‌ها در سررسید خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق تلاش نمود ضمن موضوع‌شناسی پدیده اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در نظام بانکی کشور، ماهیت حقوقی آن را مورد آسیب‌شناسی قرار داده و نسبت به ارائه برخی راهکارهای جایگزین اقدام کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولاً ماهیت حقوقی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و پرداخت مازاد ۳۴ درصد بر روی آن چندان شفاف نیست و می‌توان احتمالات گوناگونی را در رابطه با آن مطرح کرد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند: وجه التزام،

www.SID.ir

Archive of SID

جریمه تأخیر تأدیه، تعزیر مالی و خسارت تأخیر تأدیه؛ بااین‌حال تمامی این رویکردها با مشکلات جدی مواجه هستند و به نظر می‌رسد هیچ کدام از آنها را نمی‌توان یک قالب حقوقی مناسب در نظر گرفت. بر این اساس شبهه ربای قرضی در رابطه با نرخ مازاد ۳۴ درصد اضافه برداشت وجود دارد؛ ثانیاً طراحی راهکارهای جایگزین اسلامی برای سامان‌دهی مسئله اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی ضرورتی غیر قابل انکار است که در این تحقیق به عنوان نمونه به دو راهکار اشاره گردید که عبارت‌اند از: قرارداد رپوی اسلامی و تنزیل اسناد طلب بانک‌ها.

علی‌رغم آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد بحث سامان‌دهی دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی در چارچوب اسلامی و به‌طور خاص بحث تسهیلات شبانه بانک مرکزی، نیازمند تحقیقات فقهی و حقوقی کامل‌تر است؛ لذا می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی در حوزه جدید بانکداری مرکزی اسلامی محسوب شود.

منابع و مآخذ

۱. قضاوی، حسین و حسین بازمحمدی ؛ **عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا**: مطالعه موردی: اسناد خزانه اسلامی؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۱.

۲. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ **لسان العرب**؛ مصر: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

۳. احمدوند، ولی‌الله؛ «آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس»، **فصلنامه مصباح**؛ ش۵۳، ۱۳۸۳.

۴. اسکینی، ربیعا؛ **مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل**؛ تهران: سپهر، ۱۳۷۱.

۵. بادینی، حسن و محمدعزیز حسامی ؛«بررسی مبانی فقهی قابلیت خسارت تأدیه وجه نقد از دیدگاه مذاهب اسلامی»، **دوفصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**؛ ش۱، ۱۳۹۱.

۶. تسخیری، محمدعلی؛ «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا»، **فصلنامه فقه اهل بیت**، ش۳۵، ۱۳۸۲.

www.SID.ir

Archive of SID

۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**؛ ج۳، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱.
۸. حاجیان، محمدرضا؛ **بازار بین‌بانکی ریالی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۱.
۹. حبیبی، ضامن‌علی؛ «مبانی فقهی جریمه مالی در فقه امامیه و فقه اهل سنت»، **فصلنامه حکومت اسلامی**؛ ش۸۳، ۱۳۹۶.
۱۰.حسینی، سیدامرالله؛ «ضوابط شروط ضمن عقد: مطالعه موردی وجه التزام بانکی». **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۶۶، ۱۳۹۶
۱۱.سلیمانی، محمد؛ «زیربناهای سازمانی لازم جهت مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی»، **مجموعه مقالات نخستین همایش مالی اسلامی**؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۶.
۱۲.فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ **کتاب العین**؛ بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق.
۱۳.کاتوزیان، ناصر؛ **وقایع حقوقی**؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
۱۴.کیائی، حسن؛ **سیاست‌گذاری پولی در بانکداری اسلامی**: پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران: ۱۳۸۶.
۱۵.معین، محمد؛ **فرهنگ فارسی**؛ ج۱، تهران: ادنا، ۱۳۸۴.
۱۶.موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، **فصلنامه متین**؛ ش۱۹، ۱۳۸۲.
۱۷.موسویان، سیدعباس؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»، **فصلنامه حقوق اسلامی**؛ ش۸، ۱۳۸۵.
۱۸.ـــــــــ؛ **معاملات بانکی از منظر مراجع تقلید**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.
۱۹.موسویان، سیدعباس و مهدی الهی ؛ «امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین‌بانکی در بانکداری اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۳۸، ۱۳۸۹.
۲۰.موسویان، سیدعباس و فرشته ملاکریمی؛ «تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۶۴، ۱۳۹۵.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۱.ـــــــــــ؛ **جریمه تأخیر تأدیه**؛ ویرایش دوم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴.

۲۲.موسویان، سیدعباس و حسین میثمی؛ **بانکداری اسلامی (۲)**: بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۶.

۲۳.موسویان، سیدعباس و همکاران؛ «توافق‌نامه بازخرید (رپو) در بازار بین‌بانکی اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۶۰، ۱۳۹۴.

۲۴.مؤمنی، فرشاد و حمیدرضاحری؛ «بانکداری مرکزی در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزارهای پولی کارآمد»، **فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی**؛ ش۶، ۱۳۸۸.

۲۵.میثمی، حسین و همکاران؛ «ارائه تسهیلات قاعده‌مند بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای اسلامی: چارچوبی نوین جهت سیاست‌گذاری در کریدور نرخ سود بازار بین بانکی»، **دوفصلنامه جستارهای اقتصادی**؛ ش۲۶، ۱۳۹۵.

۲۶.نظرپور، محمدتقی و میثم حقیقی؛ «نقش بانک مرکزی در اعمال سیاست پولی به وسیله بازار بین بانکی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۴۹، ۱۳۹۲.

27. Ahmad, O.; **Islamic Financial Instruments to Manage Short-Term Excess Liquidity**; Jeddah: IDB, 2001.

28. Axilrod, S.; **Inside the Fed**; Cambridge: The MIT Press, 2009

29. Bacha, O.; "The Islamic interbank money market in a dual banking system: The Malaysian experience", **International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management**; V.1, 2009.

30. Berentsen, A., "Marchesiani, A., and Christopher J.; Channel Systems: Why Is There a Positive Spread?", **Federal Reserve Bank of St. Louis Working Paper Series**; No.517, 2010.

www.SID.ir

Archive of SID

31. Bindseil, U.; **Monetary policy operations and the financial system**; London: Oxford University Press, 2014.

32. Bindseil, U. and Jablecki, J.; "The optimal width of the central bank standing facilities corridor and banks' day-to-day liquidity management", **ECB Working Paper**; No.1350, 2011.

33. Branson, W. H.; **Macroeconomic theory and policy**; 3rd ed, London: Harper and Row ,2012.

34. Chapman, J., J. Chiu, and Molico, M.; "Central bank haircut policy", **Bank of Canada Working Paper**; No.23, 2010.

35. Clews, R., Salmon, C. and Weeken, O; "The Bank's money market framework", **Bank of England Quarterly Bulletin**; V.4, 2010.

36. Cobham, D.; "The Past, Present, and Future of Central Banking" **Oxford Review of Economic Policy**; Vol.28, No.4, 2012.

37. Kahn, G.; "Monetary Policy under a Corridor Operating Framework", **Federal Reserve Bank of Kansas Working Paper**; No.45, 2010.

38. Lind, M.; **Land of promise: an economic history of the United States**; New York: Harper Collins, 2012.

39. Whitesell, W.; "Interest Rate Corridors and Reserves", **Journal of Monetary Economics**; Vol.53, 2006.

www.SID.ir